

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

رحیمه توخی

۱۲ جون ۲۰۱۸



به زنان دلیر و سنت شکن که تابوت فرخنده را به دوش می کشیدند !

با حرمت فراوان به خوانندگانی که برای فرخنده نوشتند و سرودند و ابراز تأثر نمودند . بنا برمشکلی تا کنون میسر نشد که تمام ویدئوی ضرب و شتم و به زیر تأثیر موثر انداختن و به آتش کشیدن فرخنده بی پناه را ببینم . چندین ساعت قبل موفق شدم تمام قسمت های آن ویدئو را که دوستی در اختیارم قرار داد ؛ ببینم . در جریان دیدن ماجرائی که ؛ حتی دل سنگین دل ها را هم به درد می آورد و قلب شان را به آتش می کشید؛ قلب داغدیده من هم چنان به ضربان افتاد و دررگهایم خون به آتش کشیده ای من هم به جریان درآمد که از دست خشم و خروش به شدت گریستم و گریستم ... سرانجام با چشمان پر از اشک سروده « ستاره شدم » را فریاد کردم . به آرزوی آزادی واقعی زنان مظلومی که از ۱۴ قرن بدینسو در آتشی که « قرآن » - این کتاب ضد تمام ارزش های والای انسانی و ضد تکامل و تمدن جامعه بشری - برپا کرده است ، می سوزند !

رحیمه توخی - (۲۰۱۵/۴/۲۰)

ستاره شدم

بی روشنائی مشعل این بار تا انتهارفتم
تومی پرسی ای مادرکه من آنجا چرا رفتم
تاکنم روشن خرافات را ، برملاء رفتم

مادر، ببخش برمن زپیشت بی وداع رفتم
جلادان سراپایم رنگین کردند با خونم
در آنجایی که دم و دعایش کذب و ریاء بود

شدم غافل ز تزویر و نیرنگ و ریاء رفتم
من در آن " مقبره " بی هیچ پشت و پناه رفتم
ندانستم ، با پای خویش به دام بلاء رفتم
بالا کردم دست طلب ، به سوی خدا رفتم
به آگاهی رسیدم ، ز بند دین رها رفتم
شعله و دود گردیدم به سوی هوا رفتم

ندانستم در آنجا ، برایم چیده اند دامی
تعویذگران فریاد کردند " دختر سوختان دست قرآن "
دیو و دد با چنگ و چنگال کردند صورتم پر خون
ز هرسو آماج سنگ و چوب و مشتم و لگد گشتم
نگرفت دستم ، خدائی که پرستیدمش سالها
جسم غرقه در خونم میان آتش افگندند

" نابود " کردند جسم ؛ لیک نامم ورد زبانها شد

نگشتم محو ، ستاره شدم سوی فضاء رفتم